



## مشارکت سازمان های مردم نهاد در فرایند کیفری

اکبر وروایی\*  
همت محمدی\*\*  
ایوب نوریان\*\*\*

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۱۲/۲۶ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۳/۲۰

### چکیده

سازمان های مردم نهاد با آن که از سال ها قبل در کشور حضور فیزیکی دارند اما متأسفانه از سوی دولت و نهادهای دولتی چندان جدی تلقی نشده و نقش آفرینی تأثیرگذاری در فرایند کیفری نداشته اند. از نوآوریهای قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، تحقق آموزه های سیاست جنایی مشارکتی از طریق مشارکت سازمان های مردم نهاد در فرایند رسیدگی کیفری است که قانونگذار در ماده ۶۶ قانون مذکور به آن پرداخته است. تصویب این ماده که طی تصمیمی جالب توجه در فاصله چند روز مانده به لازم الاجرا شدن قانون<sup>۱</sup>، به ناگاه مورد اصلاح قرار گرفت، حق دادخواهی سمن ها را در حد یک اعلام کننده جرم و تماشاجی روند دادرسی تنزل داده است.

صرفنظر از اینکه بسترهای حقوقی، فرهنگی و اجتماعی لازم در کشور بهمنظور مشارکت سمن ها در فرایند کیفری موجود نیست، نقش آنان در فرایند کیفری در حد یک اعلام کننده جرم و شرکت کننده در جلسات رسیدگی است. در مقام عمل هم با ابهاماتی همچون ملاک تشخیص صلاحیت سازمان های مردم نهاد مداخله گر در فرایند کیفری مواجه هستیم (تبصره ۳ ماده ۶۶)، همچنین چگونگی توسعه ی مشارکت سمن ها در فرایند کیفری و سازوکارهای نظارتی بر فعالیت آنان مشخص نیست. این مطالعه در نظر دارد زمینه ها و موانع فعالیت سازمان های مردم نهاد را در فرایند کیفری مورد بررسی قرار داده، به نقش حیاتی سمن ها در پیشگیری از جرم و مداخله آنان در فرایند کیفری بپردازد.

### کلید واژه ها

سیاست جنایی مشارکتی، سازمانهای مردم نهاد، اعلام کننده جرم، دعوای عمومی، رسیدگی کیفری.

\*. دانشیار دانشگاه علوم انتظامی امین

\*\* دانشجوی مقطع دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه (نویسنده مسئول)

\*\*\* دانشجوی مقطع دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

<sup>۱</sup> اگرچه قانون آیین دادرسی کیفری در اول اردیبهشت ماه ۱۳۹۳ از سوی رئیس جمهور برای اجرا ابلاغ شد، اما اجرای آن به علت فراهم نبودن امکانات و مقدمات مورد نیاز به ابتدای تیرماه ۱۳۹۴ موکول گردید، ولی قبل از لازم الاجرا شدن، اصلاحیه ۳۸ ماده از آن در تاریخ ۱۳۹۴/۰۳/۲۴ به تصویب کمیسیون قضایی مجلس رسید که در تاریخ ۱۳۹۴/۰۳/۲۷ مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت.

## مقدمه

رشد روزافزون پدیده‌ی مجرمانه در دوره معاصر همراه با ظهور اشکال نوین و متنوع بزه و بزهکاری، عدم موفقیت نظام عدالت کیفری رسمی با به کارگیری ضمانت اجرای کیفری درزمینه‌ی پیشگیری از وقوع جرم و مقابله با بزهکاری و اصلاح بزهکاران را به دنبال داشته و سیاستگذاران جنایی داخلی را بر لزوم افزایش و تقویت برنامه های سیاست جنایی برپایه‌ی مشارکت هرچه بیشتر و فعالتر جامعه مدنی در فرایند کیفری ترغیب نموده است.

به طور کلی میتوان دو الگوی مشارکت و به تبع آن دو سازمان سنتی ومدنی را ازهمدیگر تفکیک کرد. الگوی اول مشارکت، الگوی سنتی است که براساس سنت، عرف، عادت و مذهب در میان افراد جامعه به شکل نهادی و خودجوش وجود دارد. این مشارکت محصول گذشت سالیان دراز بوده است و از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته است و پاسخی به نیازهای تحولات تاریخی بوده اند. دراین الگو، دولت هیچ نقشی درهدایت و سازماندهی نداشته و انجام امور برعهده مردم است. الگوی دوم مشارکت، مشارکت سازمانهای مردم نهاد است. سازمانهای غیر دولتی و مردم نهاد، جمعیتها، گروهها و نهادهای انسانی خودجوش و برآمده از بطن جامعه هستند که با فعالیتهای غیرانتفاعی و داوطلبانه در جهت رفع معضلات اجتماعی و خدمت‌رسانی عمومی فعالیت می‌کنند و برترین امتیاز خود را استقلال از دولت تدوین کرده‌اند.

لایحه قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ همسو با اندیشه های نوین سیاست کیفری مشارکتی، مداخله سازمانهای مردم نهاد را در جهت حمایت از بزه دیده گان آسیب پذیر، حقوق شهروندی و همچنین در حفاظت از حقوق و منافع همگانی همچون محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی و بهداشت عمومی از طریق اعلام جرم و شرکت در مراحل دادرسی را با شرایطی پذیرفته بود و جایگاه آنان را از یک اعلام کننده صرف به یک دنبال کننده فعال تبدیل نموده بود. اما پس از اصلاحیه مورخ ۱۳۹۴/۰۳/۲۴ حق سمن ها در اقامه دلیل و اعتراض به آرای قضایی که در لایحه قانون بدان اشاره شده بود، از متن ماده حذف تا دستاوردی نوین از قانون پُر داستان آیین دادرسی کیفری به فراموشی سپرده شود. توسعه مشارکت سازمانهای مردم نهاد در فرایند کیفری مستلزم فراهم بودن زمینه های فعالیت، نظارت و ارزیابی فعالیتهای جهت رفع موانع و معایب ناشی از مداخله آنان در فرایند کیفری است.

## ۱- سازمانهای مردم نهاد؛ تعریف، پیشینه و اهداف

سازمان‌های غیر دولتی و مردم نهاد (سمن‌ها)، جمعیت‌ها، گروه‌ها و نهادهای انسانی خودجوش و برآمده از بطن جامعه هستند که با فعالیتهای غیرانتفاعی و داوطلبانه در جهت رفع معضلات اجتماعی و خدمت‌رسانی عمومی فعالیت می‌کنند و برترین امتیاز خود را استقلال از دولت تدوین کرده‌اند. سازمانهای مردم نهاد از جمله سازمانهای مدنی، تازه تأسیس و نوپایی هستند که با مشارکت داوطلبانه شهروندان دارای

<sup>1</sup>.Non Governmental Organization

انگیزه، برای فعالیت گروهی در قالب یک ساختار و سازمان منسجم با هدف خدمت برای توسعه و رفاه اجتماعی و توانمند سازی افراد جامعه بدون هرگونه وابستگی به دولت تأسیس و مشغول فعالیت گردیده اند. سمن ها برای رسیدن به اهداف گوناگونی فعالیت می کنند و معمولاً در جهت پیشبرد اهداف سیاسی یا اجتماعی اعضا در حرکت هستند. من باب مثال، به بهبود وضعیت محیط زیست، تشویق گروهها و مردم به رعایت حقوق بشر، بالا بردن سطح رفاه قشرهای محروم و آسیب پذیر یا مطرح ساختن یک برنامه مشترک و دسته جمعی می توان اشاره کرد. تعداد این قبیل سازمانها بسیار زیاد است و اهداف آنها طیف وسیعی از موقعیت های سیاسی و فلسفی را در بر می گیرد. تشکلهای مردمی در ایران دارای سوابق تاریخی دیرینه ای هستند. در واقع از زمانیکه زندگی اجتماعی انسانها در روستاها و سپس در شهرها شکل گرفت نیاز به یاریگری و مشارکت مطرح شد و کمک توانمندان به ناتوانان در اشکال فردی و گروهی شکل گرفته و نهادینه شده است.

اولین سازمان مردم نهاد محیط زیستی در ایران گروه روستائیان اشکذر یزد بوده است که در ابتدای دهه ۱۳۵۰ فعالیت خود را با هدف تثبیت شن های روان و بیابان زدائی آغاز کرد. این روند با رشد چشمگیر ۲۲ سازمان تا سال ۱۳۷۵، ۱۵۶ سازمان تا سال ۱۳۷۸ و ۵۵۰ سازمان مردم نهاد فعال در حوزه محیط زیست تا سال ۱۳۸۲ نشان از اهتمام مردم به مشارکت در فعالیت های این حوزه دارد (گل محمدی، یوسفی، ۱۳۸۸، ص ۱۱).

رویکرد مشارکتی در فرهنگ کهن ایرانیان چه پیش از اسلام یعنی از روزگاران باستان و چه در تعالیم اسلامی مورد توجه بوده است. در اسناد و پیمان نامه های بین المللی، بویژه در کنگره های ششم، هفتم و نهم سازمان ملل در زمینه پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمان، مشارکت شهروندان و نهادهای مدنی در پیشگیری از جرم و اجرای کیفیها مورد تأکید قرار گرفته است. در سیاست جنایی کشورهای توسعه یافته، با بهره مندی از مطالعات تطبیقی از دهه شصت به بعد، شاهد توسعه اصلاحات مبتنی بر مشارکت اجتماع در عرصه های مختلف عدالت کیفری از جمله پیشگیری جامعه مدار، اصلاح و بازپروری مجرمان در اجتماع، رعایت قاعده متناسب بودن تعقیب در جهت توسعه جامعه مدار و عدالت مدار هستیم. در ایران معاصر نیز رویکرد مشارکتی را می توان در ابتدا و قبل از انقلاب در خانه های اصناف و شوراهای داوری و پس از انقلاب اسلامی در برنامه های ستاد مبارزه با مواد مخدر به منظور پیشگیری از اعتیاد جستجو نمود. با این همه بحث تدوین برنامه ملی پیشگیری از جرم جامعه مدار، مشارکت مردم در فرایندهای کیفری، راه اندازی شوراهای حل اختلاف، میانجیگری کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی و فعالیت سازمانهای مردم نهاد در حمایت از گروههای آسیب پذیر مثل کودکان خیابانی و زنان قربانی خشونت خانگی، انجمن های حمایت از زندانیان و خانواده های آنان و ستادهای دیه و نهادهای ارائه کننده خدمات مشورتی و حقوقی رایگان به افراد و زندانیان بی بضاعت اشاره کرد (جمشیدی، ۱۳۹۰، ص ۲۸).

سمن ها با آن که از سال ها قبل در کشور فعالیت دارند اما متأسفانه از سوی دولت و نهادهای دولتی چندان

جدی تلقی نشده و نقش آفرینی تأثیرگذاری در این بخش نداشته‌اند. از این سازمان‌ها با عناوین جایگزین دیگر از جمله انجمن، جمعیت، گروه، خانه و... نیز نام برده می‌شود و شاید بتوان گفت شکل جدید آنها همزمان با تصویب آیین‌نامه تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی در سال ۸۴هـ به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی در کشور اجرایی شد. این تشکل‌ها با تأکید بر سه اصل داوطلبانه، غیرانتفاعی و غیرسیاسی بودن تشکیل می‌شوند و بودجه آنها نیز از کمک‌های مردمی، حق عضویت در سازمان یا کمک‌های مالی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و گاه دولتی تأمین می‌شود. شاید یکی از دلایل حضور کم‌رنگ این سازمان‌ها، حمایت نشدن از سوی سایر سازمان‌های دولتی و شرکت داده نشدن در موضوع‌های جدی جامعه در طول سال‌های گذشته بوده است.

فعالیت‌های سمن‌ها را می‌توان در دو بخش تقسیم نمود: فعالیت‌هایی که پس از نقض یک "حق" و در واقع در واکنش به آن صورت می‌گیرد. این فعالیت‌ها "واکنشی" است. بخش دوم فعالیت‌هایی است که با یک برنامه از قبل و متکی بر فعالیت صورت می‌گیرد اما اساس آن از "نقض" آغاز نمی‌شود بلکه از ضرورت وجودی یک "حق" آغاز می‌شود. به این گونه از فعالیت‌ها "پیش کنشی" گفته می‌شود. این فعالیت‌ها پیشگیرانه است و باعث می‌شود ساز و کارهایی به وجود آید که به تحقق بهتر و همه جانبه حقوق افراد کمک نماید (نوری نشاط، ۱۳۸۵، ص ۶۸) بدیهی است که سازمان‌های مردم نهاد موضوع ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری در واکنش به جرایم ارتكابی در زمینه‌های مورد ذکر، می‌توانند در فرایند رسیدگی مشارکت داشته باشند.

## ۲- سیاست جنایی مشارکتی

از نظر تاریخی، اصطلاح سیاست جنایی<sup>۱</sup> ابتدا توسط دانشمند آلمانی، فوئرباخ<sup>۲</sup> در کتاب حقوق کیفری که در سال ۱۸۰۳ میلادی چاپ و منتشر گردید، به کار برده شد. سیاست جنایی، یک رشته مطالعاتی است که بر حسب داده‌ها و یافته‌های فلسفی و علمی، از جمله یافته‌های جرم‌شناختی، و با توجه به اوضاع و احوال تاریخی، سعی در تدوین و ایجاد آموزه‌های سرکوبگر (کیفری) و پیشگیرانه دارد که در عمل نسبت به بزهکاری و بزهکار قابل اعمال باشند. این تعریف که از فون لیست<sup>۳</sup> (یکی از بنیانگذاران آلمانی اتحادیه بین‌المللی حقوق کیفری در ۱۸۸۹ است) با تفاوت‌های ظریفی مورد توجه مارک آنسل (قاضی فرانسوی) در ۱۹۵۴ قرار گرفت. وی معتقد است که سیاست جنایی هم یک علم است و هم یک فن و موضوع آن فراهم ساختن امکان ارائه بهترین شیوه تدوین قواعد و مققرات موضوعه در سایه یافته‌های علوم جرم‌شناسی است (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۰، ص ۹۸).

اصطلاح سیاست جنایی که عموماً به کتاب استاد آلمانی فوئر باخ در سال ۱۸۰۳ منتسب می‌شود، مدت‌ها

1. Criminal policy  
2. Feuerbach  
3., Von Liszt.

با «جنبه های نظری و عملی نظام کیفری» مترادف ماند. در این برداشت مطابق نظر فوئرباخ، سیاست جنایی شامل «مجموعه شیوه های سرکوبگری می شود که دولت از طریق پیش بینی و بکار بستن آنها علیه بزه واکنش نشان می دهد». با وجود این، امروزه شاهد آنیم که سیاست جنایی، از حقوق کیفری، جرم شناسی و جامعه شناسی جنایی جدا شده و مفهوم مستقلی به خود گرفته است؛ هنگامی که آقای مارک آنسل نشریه «آرشیوهای سیاست جنایی» را در سال ۱۹۷۵ تأسیس نمود، در نخستین اقدام بر ضرورت عدم محدود و خلاصه کردن سیاست جنایی، به حقوق کیفری تأکید کرد و با تلاش برای برجسته کردن ویژگی دوگانه آن، یعنی «دانش مشاهده و مطالعه» و «فن» یا «راهبرد روش مند واکنش علیه بزه»، پیشنهاد کرد که سیاست جنایی «واکنش سازمان یافته و مطالعه شده جامعه علیه اقدام ها و فعالیت های بزهکارانه، منحرفانه یا ضد اجتماعی» تعریف شود (می ری دلماس مارتی، ۱۳۹۳، ص ۶۹). این اصطلاح عمدتاً در کشورهای حقوق نوشته رواج یافته و در کشورهای انگلیسی زبان جایی باز نکرده است. مارک آنسل در این خصوص می گوید: «اغلب جرم شناسان و جامعه شناسان آمریکایی - دست کم در ایالات متحده - با صرفه جویی، حتی در به کار بردن واژه «سیاست جنایی» و با داخل ساختن کنکاش در این زمینه و مطالعات مربوط به آن در قلمرو مطالعات جرم شناختی عدالت کیفری، از کنار مسأله گذشته اند.» (Ansel, 1975, p 21)

اصطلاح سیاست جنایی که اندکی بیش از دو قرن از پیدایش پرفراز و نشیب آن می گذرد، امروزه به عنوان یک رشته مطالعاتی مستقل در علوم جنایی شناخته می شود. مفهوم سیاست جنایی در سیر پیدایش تحول چشمگیری به خود دیده است، به نحوی که از یک مفهوم مضیق به مفهومی کاملاً موسع تبدیل شده است (حسینی، ۱۳۸۳: ۲۳). به نظر دانشمندان و صاحب نظران سیاست جنایی، از لحاظ جنبه علمی یا به عبارت دیگر در مرحله دریافت و پذیرش یک سیاست جنایی که در واقع تبلور سیاست جنایی در مرحله عمل و در هر کشور خاصی است سه نوع سیاست جنایی شامل: سیاست جنایی تقنینی، سیاست جنایی قضایی و سیاست جنایی مشارکتی قابل مشاهده است (لازرژ، ۱۳۸۲، ص ۹۳) در ایران نخستین بار دکتر متین دفتری، این اصطلاح را به عنوان معادل «Penal policy» به کار برده است (جمشیدی «به نقل از ابرندآبادی»، ۱۳۹۰، ص ۱۹).

سیاست جنایی مشارکتی جدیدترین و مهم ترین گرایش سیاست جنایی محسوب می گردد که در دوره معاصر در غرب، بنا به علل و عوامل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و جرم شناختی، بویژه بحران ناکارآمدی و ناتوانی نظام عدالت کیفری در استفاده صرف از ابزارهای سنتی زرادخانه حقوق کیفری جهت مقابله با پدیده مجرمانه بروز پیدا کرد و بنابراین از عمر آن بیش از چند دهه نمی گذرد (رستمی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۰).

به طور کلی منظور از سیاست جنایی مشارکتی، بررسی و مطالعه جایگاهی است که در سیاست جنایی یک کشور به جامعه مدنی و از طریق اعطای نقش به بزهکار، بزه دیده و بویژه کل جامعه یا مردم داده شده است. پاسخهایی که جامعه مدنی از طریق این ارکان سه گانه ارائه می دهد را اصطلاحاً پاسخهای جامعه‌ی یا اجتماعی می گویند (دلماس - مارتی، ۱۳۸۱، ص ۸۳ و لازرژ، ۱۳۸۲، ص ۶۱).

به منظور «ایجاد اجماع حول یک سیاست جنایی» علاوه بر اشتراک ارکان حکومتی، مشارکت رسانه‌ها، انجمن‌ها و شهروندان و یا به طور کلی جامعه مدنی ضرورتی اجتناب ناپذیر می‌باشد. این ضرورت نه از آن جهت است که نقش دولت کاسته گردد، بلکه بدین جهت که جامعه مدنی به عنوان کنشگران عمده سیاست جنایی مطرح بوده و بایستی طبیعتاً مشارکت فعالی نیز داشته باشند (لازرز، ۱۳۸۲، ص ۱۳۹). شرکت دادن جامعه مدنی به خصوص مردم در این پروسه صرف نظر از نشان دادن کارایی مردم در این عرصه، خود بدین معنا است که پیش‌گیری و حتی تامین امنیت به این گروه از جامعه نیز می‌گردد. به عبارت دیگر برای تحقق یک سیاست جنایی واحد در سطح کلان نه تنها مشارکت طیف گسترده‌ای از کنشگران این عرصه را نیاز دارد. بلکه نوعی هم‌آهنگی و انسجام در بین تمامی ارکان فوق‌الذکر را نیز می‌طلبد. بنابراین سیاست جنایی مشارکتی یعنی «یک سیاست جنایی همرا با مشارکت جامعه‌ی مدنی که در چارچوب آن اهرم‌ها و نهادهای دیگر در کنار پلیس و دستگاه قضایی پاسخ به پدیده مجرمانه را سامان می‌بخشد. این همکاری و مشارکت ضامن اعتبار بخشیدن طرح تنظیم شده قوای مقننه و مجریه در زمینه سیاست جنایی، یا همان شرکت دادن مردم در مقابله با پدیده مجرمانه است» (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۱، ص ۲۶۵).

بدین سان می‌توان گفت که سیاست جنایی ذاتاً دولتی، به سوی سیاست جنایی مشارکتی که جلوه‌ای از حضور و مداخله مردم در در مراحل مختلف کشف، تعقیب داور، اجرای حکم و نیز پیشگیری از بزهکاری است، حرکت می‌کند. به دیگر سخن دولتها نمی‌توانند نقش مؤثر مردم و سازمانهای مردم نهاد را در اشکال گوناگون کنترل جرم نادیده بگیرند.

### ۳- مطالعه تطبیقی مشارکت سازمانهای مردم نهاد در فرایند کیفری

با توجه به مراحل مختلف سیاست جنایی، مردم در همه مراحل آن می‌توانند مشارکت داشته باشند؛ اما این مشارکت و کیفیت آن از کشوری به کشور دیگر متفاوت است و بسته به اینکه مدل غالب سیاست جنایی چه مدلی است از کشوری به کشور دیگر متفاوت خواهد بود.

افزون بر سطح داخلی، امروزه در مقیاس بین المللی، دادگاه کیفری بین المللی نمونه بارزی مبنی بر مشارکت سازمان های غیردولتی در فرایند دادرسی کیفری است. اطلاعاتی که این سازمان ها در اختیار دادگاه قرار میدهند می‌تواند در تهیه و تدارک پروندههای کیفری مؤثر باشد، به گونه ای که با بررسی تاریخی دادگاه کیفری بین المللی می‌توان پی برد که ارتباط تنگاتنگی میان تشکیل این دادگاه و سازمان های غیردولتی وجود دارد. سازمان های غیردولتی در کسب اطلاعات تکمیلی می‌توانند به دادستان کمک کنند. بر اساس بند دوم ماده ۱۵ اساسنامه در مواردی که دادستان رأسأ و بر اساس اطلاعات مکتسبه تحقیقات را آغاز میکند، اهمیت اطلاعات دریافتی را ارزیابی میکند. او در این مرحله می‌تواند از جمله مساعدت و کمک سازمان های غیردولتی را تقاضا کند. (بیگزاده، ۱۳۹۲، ص ۶۰۲) البته وضعیت رشد

سازمان های غیردولتی در همه جا به یک اندازه نیست. برای نمونه در مصر بیش از شانزده هزار سازمان غیردولتی به ثبت رسیده است درحالیکه در عربستان، ایجاد سازمان های غیردولتی ممنوع اعلام شده است. (Elbayar, 2005, p.3)

اولین جنبه مشارکت مردم در فرایند کیفری به موضوع کشف جرم و ضرورت تعقیب و تحقیق آن بر می گردد که حتی پس از بسته شدن شبکه کیفری، در اثر ظهور دولت و و به انحصار گرفتن آن، گروه اجتماعی در تمام نظام های دادرسی کیفری از طریق افشاء و اعلام جرم در آن سهیم بوده و مشارکت دارند. فراتر از آن در برخی از کشورها مثل انگلستان، همانند حقوق فرانسه قبل از انقلاب ۱۷۸۹، اختیار شروع تعقیب و ایراد اتهام به افراد عادی واگذار شده است که به موجب آن هرکسی (حتی اگر بزه دیده جرمی نباشد) می تواند دعوی عمومی را به جریان اندازد. در این صورت باید آن را تا انتها از طریق مشاور یا وکیل خود، همچون یک رسیدگی و محاکمه خصوصی دنبال نمایند. اگرچه عملاً اغلب تعقیب ها با ابتکار و اقدام پلیس شروع می شود و مردم نقش چندانی در این زمینه ندارند. (رستمی به نقل از دلما، ۱۳۸۶، ص ۱۴۲)

شبکه کیفری حتی وقتی با ظهور دولت، به روی جامعه بسته می شود و به انحصار دولت در می آید، گروه اجتماعی یعنی جامعه، ابتدا از طریق اعضای خود، در افشاء و اعلام بزه، اقامه شهود و به ویژه با شرکت در جلسات رسیدگی (به عنوان عضو هیأت منصفه در دادگاه جنایی و به تازگی به عنوان دادرسان مردمی در کنار قضاات دادگاه های اطفال و نوجوانان) با شبکه کیفری شریک است، با این قید که حضور قضاات غیرحرفه ای (مردمی) در رسیدگی ها، در کشورهای تابع نظام کامن لا نسبت به نظام حقوقی فرانسه، بیشتر توسعه یافته است. (دلما، ۱۷۴، ص ۱۳۹۳). از دیدگاه مطالعات تطبیقی در فرانسه به موجب اصلاحاتی که در سال ۲۰۰۰ به وجود آمد و نیز بر اساس ماده ۴۱ قانون آیین دادرسی کیفری، در صورت وقوع یکی از جرائمی که امکان همراهی و معاضدت این سازمان ها در مورد آن ها وجود دارد، دادستان می تواند این سازمان ها را از وقوع این جرائم آگاه نماید تا بزه دیدگان از کمک و همراهی آن ها برخوردار شوند. (Beziz- Ayache, 2003, p 16)

امروزه، به این شیوه شرکت دادن گروه اجتماعی - چه به طور فردی و چه به طور جمعی در شبکه یا نظام رسیدگی کیفری - اشکال فعال تری اضافه شده که مبین مشارکت حقیقی گروه اجتماعی (سازمان های مردم نهاد) در فرایند رسیدگی کیفری است. زیرا، از این پس گروه های اجتماعی سازمان یافته در قالب انجمن های مردمی با مشارکت مستمر در این فرایند وارد می شوند، به گونه ای که دیگر به عنوان رکنی از نظام کیفری محسوب می شوند. بدین سانف از طریق توزیع مجدد نقش ها بین دولت و جامعه مدنیف سیاست کیفری مشارکتی ترسیم می شود که هدف و موضوع آن «پیشبرد روش آموزش مسؤلیت و مساعد کردن زمینه مردم سالاری محلی است. (دلما، ۱۷۴، ص ۱۳۹۳)

در زمینه مشارکت مردم در کشف جرم، حق دستگیری پیش بینی شده در ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه حائز اهمیت استکه به موجب آن در شرایط جرم مشهود، هر شخصی علاوه بر بزه دیده می تواند مرتکب جرم را دستگیر و به نزدیکترین مقر پلیس هدایت نماید و وی را به مأمورین قضایی

تحويل نماید (استفانی و دیگران، ۱۳۷۷، ص ۲۷۷) همچنین قانون گزارش اجباری، موارد سوءاستفاده در ایالات متحده شامل: پزشکان و نهادهای مراقبت پزشکی، مشاغل آموزشی، مشاغل حقوقی و مأموران مجری قانون و سرویس های معاضدتی و عموم افراد جامعه می شود. (قناد، ۵۲ : ۷۷) در این راستا مقامات «تعقیب اجتماعی» کشورها از جمله آمریکا به سمت تعقیب، ضمن ارتباط با مقامات محلی به شناسایی و کشف جرایم و مسائل مرتبط با جرم می پردازند. (The Annie E. Casey Foundation 2003, p 25)

در چند دهه اخیر راهبردهای سیاست جنایی مشارکتی در دستور کار سازمان ملل متحد و نهادهای عمده حقوقی اتحادیه اروپا قرار گرفته است. پیشگیری از بزه کاری، تقویت همکاری در مبارزه علیه بزه کاری و مبارزه اختصاصی بر ضد برخی اشکال بزه کاری با استفاده از مشارکت نهادهای مداخله گر در سطح بین المللی از جمله این اقدامات است. بنابراین به جهت محدود بودن منابع و امکانات نهادهای نظام عدالت کیفری رسمی و لزوم مداخله نهادهای غیردولتی و مردم نهاد در جهت حمایت از موضوعات پیش بینی شده برای آنان که اغلب خارج از محدوده رسیدگی دستگاه عدالت کیفری است؛ امروزه در کنار نهادهای رسمی عدالت کیفری کشورهای دیگر، سازمان های مردم نهاد نقش برجسته ای در پیشگیری و مداخله در فرایند کیفری تا اجرای احکام را پذیرفته اند.

#### ۴- جایگاه سازمانهای مردم نهاد در قوانین و مقررات داخلی

اصل ۲۶ قانون اساسی تصریح دارد: «حزب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده آزادند مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند...». اصل ۲۷ نیز بر آزادی تشکیل اجتماعات و راه پیمایی ها بدون حمل سلاح به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد تأکید کرده است. در ارتباط با تفسیر اصول مزبور دو دیدگاه بایستی مورد توجه قرار گیرد.

بنا به تصریح و منطوق قانون اساسی جمعیت ها و انجمن ها (شمول اصل سازمان های غیردولتی را نیز در برخواهد گرفت) در انجام فعالیت خود مشروط به قیود خاص آزادند، نظارت بر رعایت اصول مزبور و تأمین شرایط مقرر نوعی نظارت پسینی است که پس از تأسیس و ایجاد سازمان های غیردولتی از سوی دولت اعمال می شود و قانون اساسی تصریحی به نظارت پیشینی ندارد فلذا درخصوص تأسیس و فعالیت این نوع سازمانها نیازی به اخذ مجوز نیست و دولت تنها نظارت می کند تا سازمان های غیردولتی شرایط مقرر در اصل ۲۶ و ۲۷ را نقض نکنند. اگرچه قانون اساسی تصریحی به نظارت پیشینی ندارد ولی شرط رعایت اصول مزبور مستلزم احراز صلاحیت سازمان غیردولتی و انجمن ها می باشد بنابراین لازم است قبل از تأسیس و فعالیت نسبت به اخذ مجوز اقدام شود. در ارتباط با شخصیت حقوقی سازمان های غیردولتی باید گفت نظر به این که این سازمان ها مؤسسات و تشکیلات غیردولتی محسوب می شوند مستنداً به مواد ۵۸۴-۵۸۶ قانون تجارت از تاریخ ثبت در دفتر مخصوص واجد شخصیت حقوقی می شوند. با این حال



درخصوص نظارت برفعالیت آنها قانون ثبت شرکت ها فاقد سازوکار لازم می باشد و ابطال مجوز از سوی ثبت شرکت ها ممکن نیست بلکه قانون ابطال مجوز را به تصمیم قضایی موکول کرده است. در سال ۱۳۷۸ شورای عالی اداری مرجع صدور مجوز و نظارت بر فعالیت سازمان های غیردولتی را دستگاه ذیربط در موضوع فعالیت آن سازمان غیردولتی دانست که این مصوبه توسط دیوان عدالت اداری ابطال گردید. در سال ۱۳۸۱ آئین نامه دیگری تنظیم شد که بمنظور ساماندهی این گونه تشکل ها مرجع صدور مجوز را وزارت کشور تعیین نمود و از تاریخ تدوین این آئین نامه چند مرتبه اصلاح شده است. فرآیند تقاضای صدور پروانه بدین صورت است که کمیسیون بررسی تقاضای صدور مجوز و پروانه فعالیت که تحت عنوان «کمیسیون ماده ۲» در سطح شهرستان، استان و کشور تشکیل می شود نسبت به صدور پروانه فعالیت اقدام خواهد کرد. دبیرخانه این کمیسیون در سطح ملی، استان و شهرستان به ترتیب در وزارت کشور، استانداری و فرمانداری تشکیل می گردد. صدور پروانه فعالیت برای «سازمان های فرا استانی، ملی یا بین المللی با کمیسیون ماده ۲ ملی» خواهد بود. هریک از کمیسیونهای ماده ۲ بمنظور بررسی و نظارت بر حسن اجرای آئین نامه و عملکرد و تحقیقات مقدماتی درخصوص سازمان هایی که در محدوده مأموریت آنها فعالیت می نمایند کمیته نظارت تشکیل می دهند.

#### ۵- طرق مشارکت سازمانهای مردم نهاد در فرایند کیفری

ماده ۶۶ مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۰۴ پیش از اصلاحیه ۹۴/۰۳/۲۴ از این قرار بود: «سازمان های مردم نهادی که اساسنامه آن ها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان ذهنی یا جسمی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است می توانند نسبت به جرایم ارتكابی در زمینه های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت و نسبت به آرای مراجع قضایی اعتراض نمایند». پس از اصلاحیه مورخ ۱۳۹۴/۰۳/۲۴ این ماده به این ترتیب اصلاح شد: «سازمان های مردم نهادی که اساسنامه آن ها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان ذهنی یا جسمی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است می توانند نسبت به جرایم ارتكابی در زمینه های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت نمایند».

#### ۵-۱- حق اعلام جرم

پس از اصلاحیه، حق اقامه دلیل و اعتراض به آرای مراجع قضایی از متن ماده حذف شد و هم اکنون سمن ها صرفاً می توانند در زمینه جرایم ارتكابی مربوط به موضوع فعالیتشان به دادگستری اعلام جرم کنند. بنابراین سمن ها حتی حق شکایت در زمینه جرایم ارتكابی مربوط به موضوع فعالیتشان به دادگستری را ندارند.

هرچند که ممکن است اشخاص زیادی از وقوع یک جرم متحمل ضرر و زیان شوند، اما تنها بزه دیده مستقیم، یعنی کسی که از وقوع جرم لطمه دیده و قانونگذار با جرم انگاری یک رفتار مباح قصد حمایت از او داشته، و یا قائم مقام چنین شخصی محسوب می شود، می تواند در فرایند کیفری به عنوان «شاکی» تقاضای تعقیب متهم را نماید و بزه دیده غیرمستقیم چنین اختیاری ندارد. چنین شخصی اعلام کننده جرم محسوب می شود و شرایط آن را دارد (خالقی، ۱۳۹۳، ص ۲۹). این جنبه ناظر بر حیثیت خصوصی از جهت تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین است.

از جنبه دیگر، طبق تعریف ماده ۸ قانون آیین دادرسی کیفری جدید، جرم می تواند دارای حیثیت عمومی از جهت تجاوز به حدود و مقررات الهی یا تعدی به حقوق جامعه و اخلال در نظم عمومی باشد. بدیهی است که برخی از جرایم همچون جرایم علیه محیط زیست، میراث فرهنگی، منابع طبیعی و یا بهداشت عمومی طبق قوانین جزایی کشور واجد جنبه عمومی دانسته شده ان و چون ذی نفع آنها جامعه است هر شخصی اعم از حقیقی یا حقوقی می تواند اعلام جرم کند.

بنابراین ماده ۶۶ با اعطای حق اعلام جرم از طرف سمن ها در واقع اختیار جدیدی به آنها اعطا نکرده است. در فرض عدم تصویب این قانون طبق اصول و مواد قانونی اشخاص حقوقی غیردولتی نه تنها می توانستند اعلام جرم کنند و رویه قضایی نیز این موضوع را پذیرفته بود؛ زیرا در علم حقوق، اصولاً سخن از «شخص» و حقوق و تکالیف او می شود و شخص اعم است از شخص حقیقی و حقوقی.

## ۵-۲- حق شرکت در تمام مراحل دادرسی

اعتقاد به این باور که عدالت باید جاری شود، یکی از ویژگی های بنیادی برای نظام های حقوقی است. اصل یکصد و شصت و پنجم قانون اساسی مقرر می دارد: «محاکمات، علنی انجام می شود و حضور افراد بلامانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعای خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد».

سمن ها برابر آنچه ماده ۶۶ مقرر داشته می توانند در جلسات رسیدگی شرکت نمایند. در این راستا تبصره ۴ ماده ۶۶ اجرای این ماده را با رعایت اصل یکصد و شصت و پنجم قانون اساسی ممکن دانسته و مقرر نموده در جرایم منافی عفت سمن های موضوع این ماده با رعایت ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره های آن تنها می توانند اعلام جرم نموده و دلایل خود را به مراجع قضایی ارائه دهند و حق شرکت در جلسات را ندارند. اما نکته جالب که برخلاف صدر ماده عنوان گردیده، اعطای حق ارائه دلیل در خصوص جرایم منافی به سمن ها می باشد که با سلب یک حق و اعطای حقی دیگر پیش بینی گردیده است. بنابراین می توان گفت ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری با تصریح بر حق شرکت سمن ها در جلسات رسیدگی در واقع امتیاز یا حق جدیدی به آنها نداده است.

## ۶- شرایط سمن ها برای اعلام جرم و شرکت در مراحل دادرسی

در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری برای مشارکت سمن ها در فرایند کیفری شرایطی مقرر گردیده است از جمله:

### ۶-۱- حوزه فعالیت سازمان های مردم نهاد

در اساسنامه<sup>۱</sup> تأسیس سازمان های مردم نهاد با ساختار هیأت امناء و یا با ساختار مجمع عمومی اعضاء<sup>۲</sup> شرایط و مقرراتی تعیین و مصوب گردیده است که ماده ۲ آن اساسنامه در خصوص نوع فعالیت سازمان های مردم نهاد است.<sup>۳</sup> بنابراین علاوه بر اینکه فعالیت سازمان های مردم نهاد<sup>۴</sup> مداخله گر در فرایند کیفری باید مشمول موارد مندرج در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری باشد، فعالیت آنها باید غیرسیاسی و غیرانتفاعی غیردولتی باشد.

حوزه های فعالیت سازمان های مردم نهاد به شرح مذکور در ماده ۶۶ حصری بوده و شامل سمن هایی می شود که اساسنامه آنها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان ذهنی یا جسمی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است و شامل سازمان های مردم نهاد دیگر (مثلاً فعال در زمینه حمایت از زندانیان، بزه دیدگان ناشی از حوادث کار، بزه دیدگان بی بضاعت و ...) نمی گردد. این امر موجب نارضایتی و اعتراض آن دسته از سازمان های مردم نهادی می گردد که زمینه فعالیت آنان از موارد تصریح شده در ماده قانونی مربوط نیست.

### ۶-۲- برخورداری از شرایط مقرر در تبصره ۳ ماده ۶۶

در تبصره ۳ ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری آمده است: «اسامی سازمان های مردم نهاد که می توانند در اجرای این ماده اقدام کنند در سه ماهه نخست هر سال توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور تهیه می شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد».

در راستای این محدودیت، قانونگذار حق تشخیص سازمان های فعال در حوزه مذکور را هم از مقامات قضایی سلب کرده و هم اسامی آنها را محدود به فهرستی نموده که توسط مقامات قوه مجریه و قضائیه تهیه می شود. (خالقی، ۱۳۹۳، ص ۷۲)

گروهی از منتقدان صرفنظر از ضابطه مذکور در تبصره ۳ ماده ۶۶ معتقدند اگر نهادی مردمی باشد، تصویب اساسنامه اش تحت نظر دولت، استقلال آن نهاد غیردولتی را از بین خواهد برد. گروهی دیگر بر این باورند

<sup>۱</sup> رای مطالعه بیشتر رجوع شود به: درآمدی بر اصول، قوانین و مقررات سازمانهای مردم نهاد، مرکز امور اجتماعی و فرهنگی وزارت کشور (معاونت امور سازمانهای مردم نهاد) زمستان ۱۳۹۰ (saman.moi.ir)

<sup>۲</sup> ماده ۲ ( نوع فعالیت: کلیه فعالیت های غیرسیاسی و غیرانتفاعی دولتی بوده ودر موضوع .....، با رعایت کامل قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران و این اساسنامه فعالیت خواهد نمود.

چنانچه سازمانی که اساسنامه‌اش درباره یکی از موارد صدر ماده ۶۶ تشکیل و از طرف کمیسیون موضوع ماده ۱۰ قانون احزاب پذیرفته شده باشد یا به عنوان مؤسسه غیرتجاری، غیرانتفاعی یا مؤسسه خیریه در دفتر ثبت شرکتها ثبت شده اما نام آن در فهرست موضوع تبصره ۳ نیامده باشد نمی‌توان آن را از اعلام جرم و ورود به مراحل دادرسی به شرحی که در ماده ۶۶ مقرر شده منع و محروم کرد؛ زیرا پس از شناسایی قانونی شخصیت حقوقی، نمی‌توان به اعتبار وجود قانون شکلی آن را از انجام آنچه به خاطر آن ایجاد شده بازداشت. ممکن است یک سازمان مردم نهادهی که اساساً برابر اصل بیست و ششم قانون اساسی نیازی به اخذ مجوز ندارد، حتی اگر مجوز تأسیس را از وزارت کشور هم گرفته و به اعتبار قانون احزاب، یا آئین نامه اجرایی سازمان های مردم نهاد، موجودیت قانونی و حقوقی هم داشته باشد، در این لیست تهیه شده توسط وزارت کشور قرار نگیرد؛ یا اگر هم در لیست پیشنهادی وزارت کشور قرار گرفت، اما ممکن است نام و موجودیت او به تصویب قوه قضائیه نرسد و این گونه از همین حق اعلام جرم هم محروم می‌شود. (عظیمی، ۱۳۹۴، ص ۲) اما به نظر می‌رسد مفهوم تبصره ۳ ماده ۶۶ انتخاب سلیقه‌ای از میان سازمان‌های مردم نهاد نیست بلکه طبق این تبصره تشکلهایی اجازه فعالیت در این ماده را پیدا می‌کنند که وزارت کشور و دادگستری آن‌ها را تأیید کند. این تأیید به معنای داشتن مجوز قانونی برای فعالیت و نداشتن سابقه تخلف یا پرونده در محاکم قضایی و تأیید صلاحیت سازمان‌های مذکور است. طبق آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم نهاد مصوب ۵ آبان ۱۳۸۴ نیز هیأت وزیران ملاک عمل و تنها سند قانونی برای فعالیت سازمان‌های غیردولتی، مجوز وزارت کشور است. طبق ماده ۲ این آیین‌نامه، سازمان پس از گرفتن پروانه فعالیت و ثبت برابر ضوابط این آیین‌نامه و سایر مقررات جاری دارای شخصیت حقوقی می‌شود. اما صرف ثبت کردن سازمان هم نمی‌تواند مجوزی برای ورود به محاکم قضایی برای اعلام جرم یا شکایت علیه شخص یا نهادی باشد بلکه باید خود سازمان تخلف یا سابقه کیفری و قضایی نداشته باشد که وزارت کشور با همکاری وزیر دادگستری فهرستی از سازمان‌های تأیید صلاحیت شده را تهیه و در اختیار رئیس قوه قضائیه قرار می‌دهند و این معنای انتخاب سلیقه‌ای نمی‌دهد بلکه انتخاب براساس شایستگی است. این تأیید در واقع به معنای داشتن مجوز قانونی برای فعالیت و نداشتن سابقه تخلف یا پرونده در محاکم قضایی و تأیید صلاحیت سازمان‌های مذکور است.

### ۶-۳- کسب رضایت بزه دیده شرط مداخله سمن ها

از آنجا که در جرایم قابل گذشت، خواست و اراده شاکی برای طرح دعوی کیفری لازم است و از طرفی برخی افراد به دلیل ناتوانی‌هایی که دارند، همواره و در هر اجتماعی مورد حمایت خاص قانونگذار هستند، تبصره یک ماده ۶۶ مقرر کرده است: «در صورتی که جرم واقع شده دارای بزه‌دیده خاص باشد، کسب رضایت وی برای اقدام مطابق این ماده ضروری است. چنانچه بزه دیده طفل، مجنون یا در جرایم مالی سفیه باشد، رضایت ولی، قیم و یا سرپرست قانونی او اخذ می‌شود. اگر ولی، قیم یا سرپرست قانونی خود

مرتکب جرم شده باشد، سازمان های مذکور با اخذ رضایت قییم اتفاقی یا تایید دادستان، اقدامات لازم را انجام می دهند».

## ۷-۱- موانع مداخله سازمانهای مردم نهاد در فرایند کیفری

سازمان های مردم نهاد موضوع ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری با موانع مهمی در عرصه مشارکت در فرایند کیفری روبرو هستند از قبیل:

## ۷-۱-۱- بسترهای حقوقی، فرهنگی و اجتماعی لازم در کشور به منظور مشارکت سازمان های غیردولتی در فرایند کیفری موجود نیست.

سازمانهای مردم نهاد زمانی می توانند نقش خود را ایفا کنند و جایگاه خود را در جامعه بیابند که هم زمینه های قانونی ازسوی حاکمیت فراهم شود و هم بسترهای فرهنگی و اجتماعی رشد پیدا کند. زمینه های لازم برای اجرای قوانین مربوط به سمن ها، فقط درحد نظری باقی مانده اند و تقریباً تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری جدید نقشی در فرایند کیفری برای آنها پیش بینی نشده بود. درکشورمان بین شکل گیری نهادها و سازمانهای مردم نهاد و فرایند فعالیت نظام تعامل اندکی برقرار است. بسترسازی فرهنگی و اجتماعی یکی از الزامات گسترش این نهادهای مدنی است.

## ۷-۲- قانون جامع و کامل، حاکم بر فعالیت سمن ها و نظارت بر آنها تصویب نشده است.

با توجه به نوپا بودن روند مشارکت این سازمان ها در فرایند کیفری و نیز نقش برجسته های که در فرایند کیفری دارند، ضروری است که نظارتی مستمر و کارآمد بر فعالیت سازمان های غیردولتی وجود داشته باشد تا اگر این سازمان ها در مسیر تعقیب دعاوی عمومی از قواعد عمومی و حرفهای سرپیچی کنند، بتوان در قبال آن ها برخورد مناسب و مقتضی بعمل آورد. لغو یا تمدید مجوز این سازمان ها از چه شرایط و اصولی پیروی می کند؟ مجازات های «کمسیون ماده ۲» در صورت تخلف و نقض مقررات توسط سازمانهای مردم نهاد به شرح ذیل می باشد :

الف- تذکر شفاهی با مهلت یکماهه برای اصلاح وضعیت و تنظیم صورتجلسه

ب- تذکر کتبی با درج در پرونده و مهلت یکماهه برای اصلاح

ج- تعلیق پروانه فعالیت

د- ابطال پروانه فعالیت

## ۷-۳- ضابطه و ملاک ارزیابی سازمانهای مردم نهاد برای مداخله در فرایند کیفری مشخص نیست.

در حالی که متن ماده، حق مورد نظر را مطلق و بدون قید و شرط به همه سازمانهایی که در اساسنامه آنان

حمایت از گروه‌های ناتوان یا کم توان یا حقوق عمومی و شهروندی پیش بینی شده، اعطا نموده، تبصره اخیر با توجه به تعیین نشدن هرگونه معیاری برای انتخاب سازمان‌های حایز شرایط، باب اعمال سلیقه و تبعیض احتمالی را در گزینش آن‌ها باز کرده است. بررسی تک تک این سازمان‌ها برای تعیین صلاحیت یا اطلاع از مسائل داخلی آنها یا تخلفاتشان از سوی وزیران دادگستری و کشور برای معرفی به ریاست محترم قوه قضائیه بسیار وقت‌گیر بوده و زمانی بیش از سه ماهه اول سال را می‌طلبد.

#### **۷-۴- اتحادیه یا مجمعی برای هماهنگی و نظارت درون گروهی بر فعالیت سازمان های مردم نهاد پیش بینی نشده است.**

فکر این‌که همه سمن‌های فعال در یک عرصه بتوانند جداگانه در یک موضوع ورود کرده و بخواهند در فرایند یک دادرسی نقش داشته باشند، قابل تصور نیست. بنابراین جای خالی مجامع یا اتحادیه‌ها در این عرصه به‌طور کامل محسوس است. انتخاب سلیقه‌ای از بین سمن‌ها نیز نوعی تبعیض تلقی می‌شود. یعنی نمی‌توان یک «سمن» را نماینده دیگر سمن‌های مرتبط دانست؛ پس بهتر است سمن‌ها برای اعمال حقوق خود یک اتحادیه و مجمع تشکیل دهند تا هم از تبعیض‌های احتمالی جلوگیری کنند و هم با افزایش توانمندی فکری و مالی سازمان‌های غیردولتی، پشتوانه محکمی برای حمایت از خود و اهداف از قبل پیش بینی شده داشته باشند.

#### **۷-۵- حوزه های فعالیت سازمان های مردم نهاد در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفی حصری است.**

حوزه های فعالیت سازمان های مردم نهاد به شرح مذکور در ماده ۶۶ حصری بوده و شامل سازمان های مردم نهاد دیگر (مثلاً فعال در زمینه حمایت از زندانیان، بزه دیدگان ناشی از حوادث کار، بزه دیدگان بی بضاعت و ...) نمی‌گردد. این امر موجب نارضایتی و اعتراض آن دسته از سازمان های مردم نهادی می‌گردد که زمینه فعالیت آنان از موارد تصریح شده در ماده قانونی مربوط نیست.

#### **۷-۶- مداخله سازمانهای مردم نهاد در فرایند رسیدگی محدود به اعلام جرم و شرکت در جلسات رسیدگی است.**

سازمان های مردم نهاد قبل از اصلاح نهایی قانون آیین دادرسی کیفی، حق اعلام جرم ، حق معرفی نماینده جهت حضور در دادسرا و دادگاه و دریافت احضارنامه، حق اظهار نظر و ارائه دلیل در مرجع قضایی و اعتراض به رای صادره را داشتند. به نظر می رسد محدود نمودن مداخله سازمانهای مردم نهاد به اعلام جرم و شرکت در مراحل دادرسی بدون پیش بینی حق ارائه دلیل و اعتراض به آراء محاکم قضایی انگیزه مداخله آنان را به حداقل برساند؛ زیرا که هدف از وضع ماده مذکور حمایت است و حمایت

با صرف اعلام جرم و شرکت در جلسات رسیدگی محقق نمی‌گردد؛ کما اینکه اصل برعلنی بودن جلسات رسیدگی است و از این بابت در بسیاری از موارد ممنوعیتی جهت شرکت اشخاص در جلسات رسیدگی نیست.

## برآمد

توسعه مشارکت سازمانهای مردم نهاد در فرایند کیفری مستلزم فراهم بودن زمینه‌های فعالیت، نظارت و ارزیابی فعالیتها جهت رفع موانع و معایب ناشی از مداخله آنان در فرایند کیفری است. بنابراین هرچند تدابیر پیشبینیشده در قانون جدید آیین دادرسی کیفری، گام مهمی در زمینه جلب مشارکت عمومی در فرایند کیفری و به ویژه تعقیب دعوای عمومی است، تا تدوین و استقرار نظامی جامع درباره مشارکت این سازمان ها مسیری طولانی در پیش است. شاید برای رفع مشکلات و موانع اجرایی، نیاز به گذر زمان باشد. در این خصوص مهم ترین اقدام پیش رو، اصلاح قوانین حاکم بر فعالیت سازمان های مردم نهاد و رفع ابهامات و موانع موجود در مسیر مداخله سازمان های مردم نهاد در فرایند کیفری است. اجرای این قانون در عمل می تواند کاستیهای آن را به همراه راه حل‌های پیشنهادی به ارمغان آورد. هرچند به نظر می رسد محدود نمودن مداخله سازمانهای مردم نهاد به اعلام جرم و شرکت در مراحل دادرسی بدون پیش بینی حق ارائه دلیل و اعتراض به آراء محاکم قضایی انگیزه مداخله آنان را به حداقل برساند؛ زیرا که هدف از وضع ماده مذکور حمایت است و حمایت با صرف اعلام جرم و شرکت در جلسات رسیدگی محقق نمی‌گردد؛ کما اینکه اصل برعلنی بودن جلسات رسیدگی است و از این بابت در بسیاری از موارد ممنوعیتی جهت شرکت اشخاص در جلسات رسیدگی نیست.

بنا به مراتب فوق، به نظر می‌رسد پیش بینی مشارکت سمن ها در فرایند کیفری به عنوان یک دنبال کننده فعال و نه یک اعلام کننده جرم، گامی مثبت و جدید برای کشف جرم و امکان بررسی جرایم ارتكابی، از یک سو علیه اشخاصی است که به نحوی به کمک دیگران نیاز دارند و از سوی دیگر، جرایمی است که به نحوی حقوق عمومی را مورد تضییع قرار می‌دهند و به این ترتیب، از فعالیت سازمان‌های مردم نهاد که چندین سال است برای دستیابی به اهداف خود اهتمام می‌ورزند، به صورت جدی‌تری حمایت خواهد کرد.

## فهرست منابع

### الف-منابع فارسی

- ۱- بیگزاده، ابراهیم، علوم جنایی (مجموعه مقالات تازههای علوم جنایی)، کتاب دوم، انتشارات بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۲
- ۲- جمشیدی، علیرضا، ۱۳۹۰. سیاست جنایی مشارکتی، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان
- ۳- حسینی، سید محمد، سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳
- ۴- خانجانی، خاتون ونصرتی، روح اله و عابدینی، زهرا و رزقی، سمیه و جوانی، فاطمه و ساری، علیرضا، درآمدی بر اصول، قوانین و مقررات سازمان های مردم نهاد، چاپ اول، تهران: معاونت امور سازمانه های مردم نهاد مرکز امور اجتماعی و فرهنگی وزارت کشور، ۱۳۹۰
- ۵- خالقی، علی، نکته ها در قانون آیین دادرسی کیفری، چاپ اول، انتشارات شهر دانش، تهران، ۱۳۹۳
- ۶- رحمدل، منصور، سیاست جنایی ایران در قبال جرایم مواد مخدر، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۶
- ۷- رستمی، ولی، مشارکت مردم در فرایند کیفری (بررسی سیاست جنایی کشورهای غربی)، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲، ۱۳۸۶
- ۸- صادقی، احمدرضا، سیاست جنایی مشترک منطقه‌ای عاملی موثر در پیش‌گیری از جرایم و مواد مخدر"، ماهنامه عدالت، شماره ۸۶، ۱۳۸۹
- ۹- عظیمی، محمدرضا، "گوهر مقصود یا موج خون افشان؟ (واکاوی ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری)"، ماهنامه مدرسه حقوق، شماره ۹۵، ۱۳۹۴
- ۱۰- قناد، فاطمه، حمایت کیفری از صغار در برابر جرایم جنسی در نظام حقوقی انگلستان و ولز، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه بهشتی تهران، ۱۳۷۷
- ۱۱- گل محمدی، س و یوسفی، آ، نقش و مشارکت سازمان های مردم نهاد در توسعه حقوق محیط زیست، فصلنامه محیط کوهستان، شماره ۱۴، ۱۳۸۸
- ۱۲- لازرژ، کریستین، درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ اول، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۲
- ۱۳- دلماس مارتی، میری، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه، نجفی ابرند آبادی، علی حسین، جلد اول، انتشارات میزان، تهران، ۱۳۸۱
- ۱۴- مرتضوی، سعید، قاچاق مواد مخدر و روان گردان (سیاست جنایی ایران و فرانسه با اشاره به اسناد بین المللی)، چاپ اول، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۸



- ۱۵- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، بزه کاری، احساس نا امنیو کنترل، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۲، ۱۳۷۷
- ۱۶- نجفی ابرندآبادی، علی حسینو هاشم بیگی، حمید، دانشنامه جرم شناسی، چاپ دوم، انتشارات کتابخانه گنج دانش، تهران، ۱۳۹۰
- ۱۷- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، مباحثی در علوم جنایی (تقریرات درس جرم شناسی)، ویراست هفتم، با کوشش دکتر شهرام ابراهیمی، ۱۳۹۱
- ۱۸- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، سیاست جنایی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۱ و ۱۲، ۱۳۷۲
- ۱۹- نوری نشاط، سعید، حق محوری در توسعه، انتشارات برگ زیتون، تهران، ۱۳۸۵

### ب- منابع لاتین

- 20- Annie Beziz-Ayache, Dictionnaire de droit pénal general etprocédurepénal, ellipses.2e éd. 2003.
- 21- Kareem Elbayar, NGO Laws in Selected Arab States International, Journal of Not for-Profit Law , vol. 7, no. 4 , September 2005.
- 22- Marc Ancel, “pour une etude systematique des problemes de politquecriminelle”, in Archivesdepolitique criminelle, paris, A.pedon, 1975

